

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم؛ سلام عليكم: ضمن عرض تسلیت شهادت سید مقاومت. ۱. عموم انسان ها مصلحت ۱۰۰ درصدی خود را درک نمی‌کنند و نمی‌دانند بهترین کار چیست، در تصمیمات و انتخابات همیشه سخت انتخاب می‌کنم چرا که نکند فرصت مناسب تری برایم مهیا باشد و من از آن غافل بمانم در انتخاب محل زندگی. انتخاب همسر. انتخاب استاد و...؛ فرصت هایی که با عقل ریاضی قابل درک نیستند؛ چه رزق هایی که از جاهایی، از افرادی به ما می‌رسد که هیچ گمانی نسبت به آنها نداریم؛ چقدر باید رجوع به عقل ریاضی داشت؟ چقدر در انتخابات و تصمیم هایمان با ظواهر مطلوب، کار را پیش ببریم. قاعده کلی چیست؟ ۲. در مباحث فقهی اصولی به مسئله ای برخورد کردیم که عمده افعال حرامی که در دین وجود دارد، بخاطر عدم ظرفیت دنیای مادی و تزاماتیست که وجود دارد؛ مثلا شراب حرام شده چرا که عقل را زایل می‌کند و دچار مشکلات در این عالم می‌شود وگرنه در عالم دیگر که این زایل شدن عقل ایرادی ندارد و اینکه شعرا و عرفا از شراب و... صحبت می‌کنند، معنای حقیقی آنها که همین شراب مصطلح است، مرادشان بوده. کما اینکه جالب است که خدای متعال در آیات که چندین بار فرموده که خمر گناه کبیر و از عمل شیطان است اما در آیه ۱۵ سوره محمد (صلوات الله) می‌فرماید: و انهار من خمر لذه للشاربین... که انگار خمر یک چیز است که اینجا حرام اما در عالم دیگر یکی از نعمات الهیست. خلاصه اینکه هرچیزی وجود دارد حق است اما شیطان جهت ها را عوض می‌کند و افعال را از جای خودشون در میاره. برای همین بود که خدا یکسری افعال را که انسان ها ظرفیت استفاده از اونها رو نداشتن و دایم باهاش دچار انحراف میشدن و خدا دیگه رحمتی برای اون فعل در آن عالم ندید، اونها رو حرام کرد، کما اینکه برای خمر هم آیاتی داریم که به مرور به حکم حرام رسید. در کلاس بحث شد از اینکه در برابر موقعیت های یکسان می‌توانیم احکام مختلفی داشته باشیم که سید مجتبی خامنه ای هم ظاهرا نظرشون این هست اما اکثریت قبول ندارن. اما جدای از این نظر هم اگر انسان نگاه موشکافانه ای نسبت به احکام داشته باشه؛ همین احکام اولیه و ثانویه خبر از همین احکام متعدد نسبت به یک موضوع می‌دهد که خدا را در شرایط یکسان به انحاء مختلفی می‌توان توجه داشت بهش. ببخشید حرف طولانی می‌کنم؛ مثلا در باب موسیقی هم داریم که نباید مصل عن سبیل الله باشد و تحریک کننده نباشد؛ که یکرسی اهنگ ها برای افرندی می/ تواند حرام باشد و برای بعضی حرام نباشد و قصه فقه و شریعت ما چیست؟ با توجه به یک سری حقایق، افعالی انجام دهیم که ما را متصل به آن حقایق کنند. عالم ماده محدودیات و تزاماتی دارد که هر نوع فعلی ظرفیت نیل به حق را ندارد. برای همین افعالی به نام حرام و مکروه داریم. که حرام و حلال برای

هرکسی نه به صورت کلی اما جزئی می‌تواند متفاوت باشد، از همین جهت می‌توان گفت که انسان‌ها باید برای خودشان حجت داشته باشند، گویی که باید همه مجتهد در اسلام باشند (نه صرفاً فقه موجود). نتیجه اطاله عرض اینکه ما برای تفقه نیاز داریم که عالم ماده را و قواعد موجود در آن را بشناسیم تا که حکم فقهی ما متصل به رحمت الهی و منجز از عقاب که همان انقطاع از رحمت الهیست، باشد. به نظر می‌رسد که با توجه به روایات و آیات به صورت ضعیف از جهتی که ظرفیتش را نداریم. بتوان به قواعد و خاصیت‌های عالم ماده پی برد، اما چکار کنیم تا عالم ماده را به تمامه بشناسیم؟ ۳. با توجه به تعریف فوق از فقه و شریعت، نمی‌دانم جای مبارزه با ظلم کجاست؟ ما از چه جهت با ظلم در جنگیم؟ از آن جهت که نمی‌گذارد ما بوسیله افعالمان به حق متصل شویم؟ از چه جهت نیاز به جامعه ایمانی داریم؟ برای صعود بیشتر به حقیقت؟ چرا مولوی می‌فرماید چون که بی‌رنگی اسیر رنگ شد موسی ای با موسی ای درجنگ شد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. در موقعیت خود نمونه‌هایی را باید مدّ نظر گیریم تا مطابق سیره آن‌ها وظیفه خود را انجام دهیم. ۲. آنچه در این دنیا برای ما حجت است، سیره پیامبر خدا و اهل البیت «صلوات‌الله‌علیهم» می‌باشد که حقیقت دنیا و حقیقت انسان را می‌شناسند زیرا درک خاصیت عالم ماده به معنای کامل در محدوده ما انسان‌ها نیست، خالق عالم است که خاصیت حقیقی عالم را با همه گستردگی‌اش می‌داند. و در این رابطه شریعت الهی نسبت به علم الهی از طریق پیامبران برای بشر آمده است. ۳. آری! اگر این دوگانگی‌ها که بین انسان‌هاست از بین برود و همه نسبت به حقیقت، آگاه و متعهد شوند دیگر جنگی نمی‌ماند. موفق باشید